

## ارزیابی نقش شفافیت مالی و انضباط حقوقی در ارتقای کارآمدی مدیریت پسماند شهری: رویکردی تلفیقی در نظام مدیریت شهرداری‌ها

امیرحسین احمدپور<sup>۱</sup>، مهدی ملاح زاده<sup>۲</sup>

۱- لیسانس علوم قضایی، دانشگاه آزاد بوشهر - واحد دلوار. (رییس سازمان مدیریت پسماند)

۲- کارشناسی حسابداری - حسابداری خدمات و تولیدات صنعتی، دانشگاه پلیمر بوشهر. (رییس اداره اجتماعی شهرداری)

### چکیده

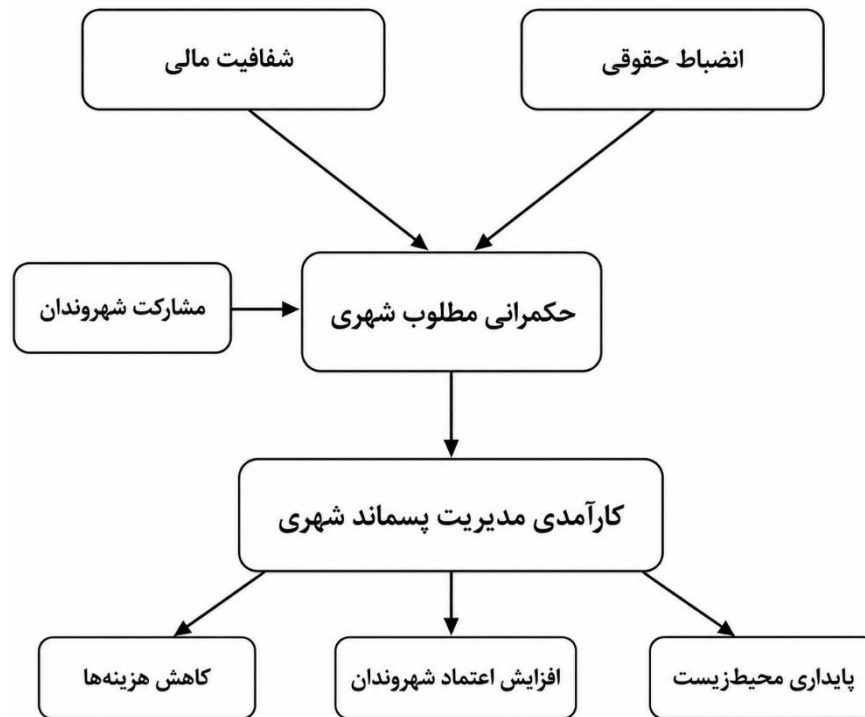
مدیریت پسماند شهری یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مدیریت شهری در دهه‌های اخیر محسوب می‌شود که ارتباط مستقیم با کیفیت زندگی شهروندان، سلامت محیط‌زیست و کارآمدی حکمرانی شهری دارد. در این میان، شفافیت مالی و انضباط حقوقی به‌عنوان دو مؤلفه کلیدی در ارتقای کارآمدی نظام مدیریت شهری مطرح شده‌اند و می‌توانند زمینه‌ساز بهبود عملکرد سازمان‌های مدیریت پسماند در شهرداری‌ها باشند. هدف این مقاله مروری، بررسی نقش شفافیت مالی و انضباط حقوقی در ارتقای کارآمدی مدیریت پسماند شهری با تأکید بر رویکردی تلفیقی در نظام مدیریت شهرداری‌ها است. روش پژوهش حاضر از نوع مروری - تحلیلی بوده و با استفاده از تحلیل منابع علمی مرتبط با حوزه حکمرانی شهری، حقوق شهروندی، مدیریت پسماند و مدیریت مالی شهری انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شفافیت مالی در شهرداری‌ها موجب افزایش پاسخگویی، اعتماد شهروندان و بهبود تخصیص منابع در حوزه خدمات شهری از جمله مدیریت پسماند می‌شود. از سوی دیگر، وجود چارچوب‌های حقوقی منسجم و اجرای دقیق قوانین مرتبط با محیط‌زیست و پسماند می‌تواند از بروز تخلفات، ناکارآمدی‌ها و آسیب‌های زیست‌محیطی جلوگیری کند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که تعامل میان نظام مالی شفاف و نظام حقوقی کارآمد، زمینه‌ساز شکل‌گیری حکمرانی مطلوب شهری و ارتقای مشارکت شهروندان در مدیریت پسماند خواهد بود. در نتیجه، تلفیق این دو مؤلفه در ساختار مدیریتی شهرداری‌ها می‌تواند به افزایش کارایی، کاهش هزینه‌های مدیریت پسماند و ارتقای پایداری محیط‌زیست شهری منجر شود. بنابراین تقویت سازوکارهای شفافیت مالی، تدوین قوانین مؤثر و نظارت حقوقی دقیق از جمله راهبردهای کلیدی برای بهبود نظام مدیریت پسماند در شهرها محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: شفافیت مالی، انضباط حقوقی، مدیریت پسماند شهری، حکمرانی شهری، شهرداری

## مقدمه

مدیریت پسماند شهری به عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف شهرداری‌ها در نظام مدیریت شهری، نقش اساسی در حفظ سلامت عمومی، حفاظت از محیط‌زیست و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان ایفا می‌کند. افزایش جمعیت شهری، توسعه شهرنشینی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی موجب افزایش چشمگیر حجم پسماندهای شهری شده است و این موضوع چالش‌های متعددی را برای مدیران شهری ایجاد کرده است. در چنین شرایطی، مدیریت کارآمد پسماند مستلزم وجود نظام مدیریتی منسجم، شفاف و پاسخگو است تا بتواند منابع مالی، ظرفیت‌های سازمانی و ابزارهای قانونی را به شکل مؤثری در جهت حل این مسئله به کار گیرد. پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که ناکارآمدی در مدیریت شهری اغلب ناشی از ضعف در نظام حکمرانی، کمبود شفافیت مالی و عدم اجرای مؤثر قوانین و مقررات مرتبط است (سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۴). در سال‌های اخیر، مفهوم حکمرانی مطلوب شهری به عنوان چارچوبی برای بهبود مدیریت شهری مورد توجه قرار گرفته است. حکمرانی مطلوب بر اصولی همچون شفافیت، پاسخگویی، مشارکت شهروندان و حاکمیت قانون تأکید دارد و می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای عملکرد نهادهای شهری از جمله شهرداری‌ها شود. در این میان، شفافیت مالی به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر حکمرانی مطلوب شناخته می‌شود، زیرا موجب افزایش اعتماد عمومی و کاهش فساد اداری در سازمان‌های شهری می‌شود (سلطانی، شعبان‌نیا منصور و دشتی، ۱۴۰۳).

از سوی دیگر، انضباط حقوقی نیز نقش مهمی در مدیریت پسماند شهری ایفا می‌کند. وجود قوانین و مقررات مشخص در حوزه مدیریت پسماند و اجرای دقیق آن‌ها می‌تواند از بروز بسیاری از مشکلات زیست‌محیطی جلوگیری کند. در واقع، نظام حقوقی کارآمد می‌تواند با تعیین مسئولیت‌ها، ضمانت‌های اجرایی و سازوکارهای نظارتی، چارچوب مناسبی برای مدیریت پایدار پسماند فراهم سازد (حیدری، برادری و اشرافی، ۱۴۰۴). علاوه بر این، نقش شهروندان در موفقیت برنامه‌های مدیریت پسماند بسیار حائز اهمیت است. مشارکت شهروندان در تفکیک پسماند، کاهش تولید زباله و همکاری با نهادهای شهری می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی در بهبود عملکرد مدیریت پسماند داشته باشد. مطالعات نشان می‌دهد که رضایت شهروندان از عملکرد مدیریت شهری و احساس بر خورداری از حقوق شهروندی می‌تواند میزان مشارکت آنان در برنامه‌های محیط‌زیستی را افزایش دهد (نوروزی و جلالی، ۱۴۰۰).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش: تبیین الگوی تلفیقی شفافیت مالی و انضباط حقوقی در ارتقای مدیریت پسماند

مدل مفهومی ارائه شده در شکل (۱)، بیانگر یک ساختار نظام‌مند است که در آن «شفافیت مالی» و «انضباط حقوقی» به عنوان دو ستون اصلی و پیشران‌های کلیدی (Independent Variables)، بر تحقق «حکمرانی مطلوب شهری» اثر می‌گذارند. در این الگو، شفافیت مالی از طریق آشکارسازی فرآیندهای بودجه‌ای و قراردادهای پسماند، و انضباط حقوقی از طریق تدوین ضمانت‌اجراهای قانونی محکم، بستری را فراهم می‌کنند که در آن «مشارکت شهروندان» نه به عنوان یک امر تشریفاتی، بلکه به عنوان یک متغیر میانجی و تقویت‌کننده، کارآمدی سیستم را دوجندان می‌کند. خروجی نهایی این فرآیند تلفیقی، «ارتقای کارآمدی مدیریت پسماند شهری» است که در سه ساحت عینی تجلی می‌یابد:

۱. کاهش هزینه‌ها: از طریق جلوگیری از رانت و بهینه‌سازی تخصیص منابع.

۲. افزایش اعتماد شهروندان: به عنوان سرمایه اجتماعی لازم برای تفکیک از مبدأ و پرداخت عوارض.

۳. پایداری محیط‌زیست: به عنوان غایت نهایی مدیریت هوشمندانه پسماند در راستای توسعه پایدار شهری.

این مدل نشان می‌دهد که بدون وجود انضباط حقوقی و شفافیت مالی، مشارکت مردمی جلب نخواهد شد و در نتیجه، مدیریت پسماند صرفاً به یک فعالیت خدماتی پرهزینه و کم‌بازده تبدیل می‌گردد.

در همین راستا، اعتماد شهروندان به سازمان‌های شهری نیز یکی از عوامل تعیین‌کننده در موفقیت سیاست‌های مدیریت شهری محسوب می‌شود. هنگامی که شهروندان به شفافیت عملکرد مالی و مدیریتی شهرداری‌ها اطمینان داشته باشند، تمایل بیشتری برای مشارکت در برنامه‌های شهری خواهند داشت (کوهی نصرآبادی، حمامی، عطیه و عبیدی، ۱۳۹۵). همچنین مطالعات نشان می‌دهد که مدیریت پسماند شهری نه تنها یک مسئله زیست‌محیطی بلکه یک موضوع اقتصادی و مدیریتی نیز محسوب می‌شود. در بسیاری از شهرها، هزینه‌های مربوط به جمع‌آوری، حمل و دفع پسماند بخش قابل توجهی از بودجه

شهرداری‌ها را به خود اختصاص می‌دهد و در صورت نبود نظام مالی کارآمد، این حوزه با مشکلات جدی مواجه می‌شود (رمضانی‌پاچی و همکاران، ۱۴۰۰). از این رو، توجه همزمان به ابعاد مالی و حقوقی مدیریت پسماند می‌تواند زمینه‌ساز بهبود عملکرد این حوزه شود. شفافیت مالی موجب افزایش کارایی در تخصیص منابع و کاهش هزینه‌های غیرضروری می‌شود و انضباط حقوقی نیز چارچوب قانونی لازم برای اجرای صحیح سیاست‌های مدیریت پسماند را فراهم می‌کند. با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر تلاش دارد با رویکردی مروری، نقش شفافیت مالی و انضباط حقوقی در ارتقای کارآمدی مدیریت پسماند شهری را بررسی کرده و ابعاد مختلف تعامل میان این دو مؤلفه در نظام مدیریت شهرداری‌ها را تبیین کند.

### مبانی نظری حکمرانی شهری و مدیریت پسماند

حکمرانی شهری مفهومی چندبعدی است که به نحوه تعامل میان نهادهای دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی در اداره امور شهری اشاره دارد. این مفهوم در سال‌های اخیر به عنوان یکی از رویکردهای مهم در بهبود عملکرد مدیریت شهری مطرح شده و تأکید ویژه‌ای بر شفافیت، پاسخگویی و مشارکت شهروندان دارد (سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۴). در چارچوب حکمرانی شهری، شهرداری‌ها به عنوان مهم‌ترین نهاد مدیریت محلی وظیفه دارند خدمات عمومی متعددی از جمله مدیریت پسماند را به شهروندان ارائه دهند. کیفیت ارائه این خدمات تا حد زیادی به ساختار مدیریتی، نظام مالی و چارچوب‌های قانونی حاکم بر این نهادها وابسته است. مطالعات نشان می‌دهد که وجود شاخص‌های حکمرانی شهری مانند شفافیت، کارایی، پاسخگویی و مشارکت می‌تواند به بهبود مدیریت پسماند کمک کند. به عنوان مثال، پژوهش مهدوی نصر، امیری و آزاده نشان می‌دهد که شاخص‌های حکمرانی شهری تأثیر قابل توجهی بر کارآمدی مدیریت پسماند در شهرها دارند (مهدوی نصر، امیری و آزاده، ۱۴۰۳). از سوی دیگر، مدیریت پسماند شهری به عنوان یکی از پیچیده‌ترین حوزه‌های مدیریت شهری نیازمند برنامه‌ریزی جامع و هماهنگی میان بخش‌های مختلف مدیریتی است. این فرآیند شامل مراحل مختلفی از جمله تولید، جمع‌آوری، حمل‌ونقل، بازیافت و دفع پسماند است که هر یک نیازمند سازوکارهای مدیریتی و نظارتی خاص خود هستند (ریگی و همکاران، ۱۳۹۸).

در بسیاری از کشورها، استفاده از رویکردهای نوین مدیریتی و فناوری‌های جدید در مدیریت پسماند موجب افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها شده است. این تجربیات نشان می‌دهد که تلفیق رویکردهای مدیریتی، اقتصادی و حقوقی می‌تواند به ارتقای کارایی نظام مدیریت پسماند کمک کند (ریگی و همکاران، ۱۳۹۸). در این میان، نقش شهرداری‌ها به عنوان نهادهای اصلی مدیریت شهری بسیار تعیین‌کننده است. شهرداری‌ها باید با بهره‌گیری از ابزارهای مدیریتی، مالی و قانونی، زمینه اجرای سیاست‌های مؤثر در حوزه مدیریت پسماند را فراهم کنند. همچنین مطالعات نشان می‌دهد که تحقق حکمرانی مطلوب شهری مستلزم اصلاح ساختارهای مدیریتی و تقویت نظام‌های نظارتی در شهرداری‌ها است. این اصلاحات می‌تواند موجب افزایش کارایی و کاهش فساد اداری در مدیریت شهری شود (آرایی، قاسمی و معینی فر، ۱۳۹۷). در مجموع می‌توان گفت که حکمرانی شهری به عنوان چارچوبی جامع می‌تواند زمینه‌ساز بهبود عملکرد مدیریت پسماند در شهرها شود و شفافیت مالی و انضباط حقوقی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تحقق این هدف به شمار می‌روند.

### شفافیت مالی در نظام مدیریت شهرداری‌ها

شفافیت مالی به معنای دسترسی آزاد، روشن و قابل فهم شهروندان و نهادهای نظارتی به اطلاعات مربوط به درآمدها، هزینه‌ها، قراردادهای بودجه‌ها و نحوه تخصیص منابع مالی در شهرداری‌ها است. در نظام مدیریت شهری، شفافیت مالی نه تنها ابزاری برای نظارت عمومی محسوب می‌شود، بلکه یکی از ارکان اصلی پاسخگویی سازمانی و ارتقای اعتماد اجتماعی نیز به شمار می‌آید. در حوزه مدیریت پسماند شهری، شفافیت مالی اهمیت دوچندان دارد؛ زیرا این حوزه معمولاً بخش قابل توجهی از بودجه شهرداری را به خود اختصاص می‌دهد و در صورت نبود نظارت مالی دقیق، احتمال بروز ناکارآمدی، اتلاف منابع و حتی فساد افزایش می‌یابد. شفافیت در ارائه اطلاعات مالی می‌تواند امکان ارزیابی بهتر عملکرد واحدهای مرتبط با پسماند را برای مدیران، شوراهای شهر، نهادهای نظارتی و شهروندان فراهم سازد.

مطالعات نشان می‌دهد که هر چه سطح شفافیت مالی در شهرداری‌ها بالاتر باشد، امکان برنامه‌ریزی دقیق‌تر، تخصیص بهینه منابع و کاهش هزینه‌های اضافی در خدمات شهری بیشتر خواهد شد. در این میان، انتشار عمومی گزارش‌های مالی، ارائه بودجه تفصیلی، اطلاع‌رسانی درباره قراردادهای پیمانکاری و ارائه داده‌های قابل فهم در سامانه‌های الکترونیکی از جمله ابزارهای مهم تحقق شفافیت محسوب می‌شوند (سلطانی، شعبان نیا منصور و دشتی، ۱۴۰۳). در مدیریت پسماند، شفافیت مالی می‌تواند به شناسایی دقیق هزینه‌های جمع‌آوری، حمل، پردازش و دفع پسماند کمک کند و از این طریق امکان مقایسه عملکرد مناطق مختلف شهری را فراهم آورد. همچنین این شفافیت باعث می‌شود شهروندان نسبت به نحوه هزینه‌کرد عوارض و منابع عمومی آگاهی بیشتری پیدا کنند و در نتیجه اعتماد آنان به شهرداری افزایش یابد.

افزون بر این، شفافیت مالی می‌تواند زمینه مشارکت بخش خصوصی در اجرای طرح‌های مدیریت پسماند را نیز تسهیل کند. هنگامی که اطلاعات مالی و شرایط قراردادها به صورت روشن و عادلانه ارائه شود، سرمایه‌گذاران و پیمانکاران معتبر انگیزه بیشتری برای ورود به این حوزه خواهند داشت. این امر می‌تواند موجب ارتقای رقابت، افزایش کیفیت خدمات و کاهش هزینه‌ها شود. از منظر حکمرانی شهری، شفافیت مالی یکی از مهم‌ترین ابزارهای مقابله با فساد اداری و رانت‌جویی است. در بسیاری از شهرداری‌ها، نبود شفافیت در فرآیندهای مالی موجب بروز تخلفات، تخصیص غیرمنصفانه منابع و کاهش کارایی شده است. بنابراین، ایجاد سازوکارهای نظارت مالی دقیق و قابل دسترس، برای مدیریت پسماند شهری ضروری است. در نتیجه، می‌توان گفت که شفافیت مالی نه تنها به بهبود عملکرد اقتصادی شهرداری‌ها کمک می‌کند، بلکه از طریق افزایش اعتماد، ارتقای پاسخگویی و کاهش زمینه‌های فساد، نقش مهمی در بهینه‌سازی مدیریت پسماند شهری ایفا می‌نماید.

### انضباط حقوقی و چارچوب‌های قانونی مدیریت پسماند

انضباط حقوقی به معنای وجود نظامی منسجم، روشن و الزام‌آور از قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌ها است که اجرای آن‌ها با نظارت مؤثر همراه باشد. در مدیریت شهری، انضباط حقوقی به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند مدیریت پسماند، به دلیل ارتباط مستقیم با سلامت عمومی و محیط‌زیست، اهمیتی بنیادین دارد. مدیریت پسماند شهری نیازمند چارچوب‌های قانونی است که وظایف و مسئولیت‌های شهرداری، شهروندان، تولیدکنندگان پسماند، پیمانکاران و دستگاه‌های نظارتی را به‌طور شفاف مشخص کند. نبود چنین چارچوبی می‌تواند به تداخل وظایف، ضعف نظارت، کاهش مسئولیت‌پذیری و بروز تخلفات منجر شود.

از منظر حقوقی، یکی از کارکردهای مهم قوانین مدیریت پسماند، ایجاد ضمانت اجرای مؤثر برای رعایت مقررات است. اگر قوانین تنها در سطح نظری باقی بمانند و به‌درستی اجرا نشوند، نمی‌توانند نقشی در بهبود وضعیت پسماند شهری ایفا کنند.

به همین دلیل، انضباط حقوقی مستلزم وجود سازوکارهای نظارتی، قضایی و اداری کارآمد است (حیدری، برادری و اشرافی، ۱۴۰۴). در کنار این موضوع، حقوق شهروندی نیز جایگاه مهمی در مدیریت پسماند دارد. شهروندان حق دارند در محیطی سالم و عاری از آلودگی زندگی کنند و از خدمات مناسب شهری بهره‌مند شوند. در مقابل، آنان نیز موظفاند در رعایت مقررات مربوط به تفکیک، دفع و کاهش تولید پسماند همکاری کنند. بنابراین، انضباط حقوقی باید به گونه‌ای تنظیم شود که هم حقوق شهروندان را تضمین کند و هم مسئولیت‌های آنان را یادآور شود.

همچنین، قوانین محیط‌زیستی و شهری باید متناسب با تحولات اجتماعی و نیازهای روزآمد بازنگری شوند. در شرایطی که حجم و تنوع پسماندها رو به افزایش است، قوانین قدیمی و ناکارآمد نمی‌توانند پاسخگوی نیازهای مدیریتی باشند. از این رو، به‌روزرسانی قوانین و تدوین مقررات مکمل برای حوزه‌هایی همچون بازیافت، پسماندهای خطرناک و پسماندهای الکترونیکی ضروری است. یکی از ابعاد مهم انضباط حقوقی، نظارت بر عملکرد پیمانکاران و شرکت‌های طرف قرارداد با شهرداری‌هاست. در بسیاری از موارد، ضعف در تنظیم قراردادها یا نبود نظارت دقیق بر اجرای آن‌ها موجب کاهش کیفیت خدمات مدیریت پسماند و افزایش هزینه‌ها می‌شود. چارچوب حقوقی مناسب می‌تواند با تعیین دقیق تعهدات، شرایط فسخ، جریمه‌ها و معیارهای ارزیابی عملکرد، از بروز چنین مشکلاتی جلوگیری کند. از منظر سیاست‌گذاری شهری، انضباط حقوقی نه تنها ابزار کنترل بلکه عامل پیشگیری نیز محسوب می‌شود. هنگامی که قوانین شفاف، منسجم و قابل اجرا باشند، احتمال بروز تخلف کاهش می‌یابد و زمینه برای مدیریت پایدار پسماند فراهم می‌شود. در نتیجه، این مؤلفه یکی از ارکان اصلی مدیریت مطلوب شهری به شمار می‌آید.

### پیوند شفافیت مالی و انضباط حقوقی در ارتقای کارآمدی مدیریت پسماند

پیوند میان شفافیت مالی و انضباط حقوقی را می‌توان به‌عنوان هسته سخت حکمرانی کارآمد در نظام مدیریت پسماند شهری تلقی کرد، زیرا هر یک از این دو مؤلفه در غیاب دیگری با ناکارآمدی مواجه می‌شود و تنها در تعامل ساختاریافته است که می‌توانند منجر به بهبود عملکرد سازمانی شوند. شفافیت مالی، از طریق افشای دقیق منابع درآمدی، هزینه‌ها، قراردادها و فرآیندهای تخصیص بودجه، زمینه پاسخگویی عمومی را فراهم می‌کند؛ در حالی که انضباط حقوقی با تعیین ضمانت‌اجراهای روشن، جرم‌انگاری تخلفات زیست‌محیطی و تنظیم چارچوب‌های الزام‌آور، امکان سوءاستفاده و انحراف را کاهش می‌دهد. در حوزه مدیریت پسماند که گردش مالی ناشی از پیمانکاری‌ها، بازیافت، فروش مواد و عوارض شهری قابل توجه است، فقدان نظارت حقوقی می‌تواند شفافیت را به گزارش‌های صوری تقلیل دهد و در مقابل، نبود شفافیت، اجرای قانون را به امری غیرقابل ارزیابی تبدیل کند. از منظر حکمرانی مطلوب شهری، انسجام میان این دو مؤلفه به افزایش کارایی درآمدی و هزینه‌ای شهرداری‌ها منجر می‌شود (سلطانی و همکاران، ۱۴۰۳) و در عین حال بستر تحقق حقوق زیست‌محیطی شهروندان را فراهم می‌سازد (سلامی و مظهری، ۱۴۰۰).

در این چارچوب، یکی از ابعاد مهم پیوند شفافیت و انضباط حقوقی، اصلاح نظام درآمدی مدیریت پسماند است؛ به‌گونه‌ای که منابع حاصل از عوارض و خدمات پسماند در مسیرهای مشخص و قابل ردیابی هزینه شود و هرگونه انحراف، مشمول ضمانت‌اجراهای حقوقی گردد. پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر درآمد سازمان‌های مدیریت پسماند نشان می‌دهد که ساختارهای حسابداری دقیق، سامانه‌های ثبت الکترونیک و کنترل‌های داخلی نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری درآمدی دارند (رمضانی‌پاچی و همکاران، ۱۴۰۰). با این حال، این سازوکارها زمانی اثربخش خواهند بود که مقررات حقوقی لازم برای الزام به افشا و برخورد با تخلفات نیز به‌طور هم‌زمان اجرا شود. در غیر این صورت، حتی پیشرفته‌ترین سیستم‌های

مالی نیز در برابر فساد ساختاری یا تعارض منافع آسیب پذیر خواهند بود. از سوی دیگر، جرم‌انگاری آسیب‌های ناشی از پسماند و تعیین مسئولیت‌های مدنی و کیفری برای ناقضان مقررات، بعد حقوقی این پیوند را تقویت می‌کند. در نظام حقوقی ایران، توسعه رویکردهای تطبیقی در حوزه مسئولیت‌های زیست‌محیطی نشان می‌دهد که همگرایی میان ابزارهای کیفری و سازوکارهای نظارتی می‌تواند بازدارندگی مؤثری ایجاد کند (حیدری و همکاران، ۱۴۰۴). زمانی که تخلفات پیمانکاران یا شهروندان در حوزه دفع غیرمجاز پسماند با پیامدهای حقوقی روشن همراه باشد و هم‌زمان اطلاعات مالی مربوط به قراردادهای و هزینه‌های مدیریت پسماند در دسترس عموم قرار گیرد، اعتماد عمومی تقویت شده و کارآمدی اجرایی افزایش می‌یابد. این تعامل، زمینه تحقق حکمرانی محیط‌زیستی مسئولانه را فراهم می‌سازد (کاردان حسین‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۵).

همچنین، شاخص‌های حکمرانی شهری نشان می‌دهد که ترکیب شفافیت، پاسخگویی و حاکمیت قانون، اثر هم‌افزایانه بر بهبود مدیریت پسماند دارد. تحلیل شاخص‌های حکمروایی در مدیریت پسماند شهری بیانگر آن است که هرچه سازوکارهای نظارتی و مالی به‌صورت هم‌زمان تقویت شوند، سطح کارایی عملیاتی و رضایتمندی شهروندان افزایش می‌یابد (مهدوی نصر و همکاران، ۱۴۰۳). این امر بیانگر آن است که رویکردهای تک‌بعدی، نظیر تمرکز صرف بر اصلاحات مالی یا صرفاً تشدید ضمانت اجرای قانونی، نمی‌تواند به تحول پایدار در این حوزه منجر شود؛ بلکه لازم است الگوی تلفیقی و نظام‌مند در دستور کار مدیریت شهری قرار گیرد.

### پیامدهای اجتماعی و نهادی شفافیت و انضباط حقوقی در مدیریت پسماند

تقویت شفافیت مالی و انضباط حقوقی در مدیریت پسماند شهری، افزون بر پیامدهای سازمانی، آثار اجتماعی گسترده‌ای نیز به همراه دارد که مهم‌ترین آن ارتقای سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی است. پژوهش‌های مرتبط با اعتماد شهروندان به سازمان‌های شهری نشان می‌دهد که ادراک عدالت، پاسخگویی و شفافیت عملکرد، از عوامل کلیدی در شکل‌گیری اعتماد عمومی است (کوهی نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۵). در حوزه پسماند، هنگامی که شهروندان نسبت به نحوه هزینه‌کرد عوارض و کارایی قراردادهای خدماتی اطمینان یابند و در عین حال شاهد اجرای عادلانه قوانین باشند، مشارکت فعال‌تری در تفکیک، کاهش تولید و نظارت اجتماعی خواهند داشت. اعتماد نهادی در سال‌های اخیر با چالش‌هایی مواجه بوده و برخی مطالعات از کاهش آن در کلان‌شهرها حکایت دارند (یوسفوند، ۱۴۰۴). یکی از راهکارهای بازسازی این اعتماد، استقرار نظام‌های شفاف گزارش‌دهی مالی و تقویت پاسخگویی حقوقی در حوزه‌هایی است که بیشترین تماس را با زندگی روزمره شهروندان دارند؛ مدیریت پسماند از جمله این حوزه‌هاست. هرگونه ابهام در قراردادهای جمع‌آوری یا شائبه فساد در مناقصات، می‌تواند سرمایه اجتماعی را تضعیف کند و در مقابل، انتشار عمومی داده‌های مالی و نظارتی، پیام روشنی از تعهد نهادی به سلامت اداری ارسال می‌کند.

از منظر رضایتمندی شهروندان، عملکرد شهرداری در حوزه خدمات شهری یکی از شاخص‌های اصلی ارزیابی عمومی است (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۶). زمانی که خدمات پسماند به‌صورت منظم، کارآمد و عادلانه ارائه شود و شهروندان احساس کنند حقوق زیست‌محیطی آنان مورد توجه قرار گرفته است، سطح رضایت افزایش می‌یابد. این رضایت، به‌نوبه خود، مشارکت مدنی و زیست‌محیطی را تقویت می‌کند (نوروزی و جلالی، ۱۴۰۰) و چرخه‌ای مثبت میان شفافیت، قانون‌مداری و مشارکت اجتماعی شکل می‌دهد.

## راهبردهای اجرایی برای تقویت رویکرد تلفیقی در شهرداری‌ها

برای عملیاتی‌سازی پیوند شفافیت مالی و انضباط حقوقی در مدیریت پسماند، تدوین راهبردهای نهادی و اجرایی ضروری است. نخستین راهبرد، استقرار سامانه‌های یکپارچه مالی و نظارتی است که امکان رصد لحظه‌ای درآمدها، هزینه‌ها و عملکرد پیمانکاران را فراهم سازد و داده‌های آن به صورت عمومی منتشر شود. چنین رویکردی با اصول حکمرانی خوب و رفع موانع تحقق آن در اداره امور عمومی همخوانی دارد (آرایی و همکاران، ۱۳۹۷) و می‌تواند زمینه پاسخگویی مستمر را فراهم آورد. راهبرد دوم، بازنگری در مقررات و تقویت ضمانت اجراهای حقوقی در حوزه پسماند است؛ به گونه‌ای که تخلفات مالی و زیست‌محیطی به صورت شفاف تعریف و مجازات شوند. این اقدام باید همسو با تکالیف مدیریت شهری در تحقق حقوق زیست‌محیطی شهروندان باشد (سلامی و مظهری، ۱۴۰۰) و از ظرفیت جرم‌انگاری آسیب‌های زیست‌محیطی بهره‌گیر (حیدری و همکاران، ۱۴۰۴). انسجام میان مقررات مالی و زیست‌محیطی، مانع از پراکندگی نهادی و تعارض صلاحیت‌ها خواهد شد. راهبرد سوم، بهره‌گیری از تجارب موفق جهانی در حوزه بهره‌وری اقتصادی پسماند و تطبیق آن با ساختار حقوقی و مالی کشور است (ریگی و همکاران، ۱۳۹۸). توسعه اقتصاد چرخشی، کشاورزی شهری و استفاده مجدد از منابع آلی می‌تواند منابع درآمدی پایدار ایجاد کند (نوید فرحی جهرمی، ۱۴۰۴)، مشروط بر آنکه سازوکارهای مالی شفاف و چارچوب‌های حقوقی الزام‌آور از آن پشتیبانی کنند.

## نتیجه‌گیری

برآیند مباحث مطرح‌شده نشان می‌دهد که کارآمدی مدیریت پسماند شهری در گرو اتخاذ رویکردی تلفیقی است که شفافیت مالی و انضباط حقوقی را به عنوان دو ستون مکمل در ساختار حکمرانی شهری مستقر سازد. شفافیت بدون ضمانت اجرا، به گزارش‌دهی صوری محدود می‌شود و انضباط حقوقی بدون شفافیت، فاقد بستر نظارتی و اجتماعی لازم برای اثربخشی است. تجربه‌های پژوهشی در حوزه حکمرانی شهری، سرمایه اجتماعی، اعتماد نهادی و مدیریت پسماند حاکی از آن است که هم‌افزایی این دو مؤلفه می‌تواند به افزایش کارایی درآمدی، ارتقای رضایتمندی شهروندان، تقویت مشارکت زیست‌محیطی و تحقق حقوق شهروندی بینجامد (سلطانی و همکاران، ۱۴۰۳؛ کوهی نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۵؛ مهدوی نصر و همکاران، ۱۴۰۳). در نتیجه، شهرداری‌ها به عنوان نهادهای خط مقدم خدمات شهری، باید با بازطراحی ساختارهای مالی، تقویت نظارت حقوقی، توسعه سامانه‌های شفاف گزارش‌دهی و جلب مشارکت شهروندان، زمینه استقرار حکمرانی محیط‌زیستی مسئولانه را فراهم آورند. تنها در چنین چارچوبی است که مدیریت پسماند از یک فعالیت صرفاً خدماتی به یک نظام کارآمد، پاسخگو و پایدار در خدمت توسعه شهری تبدیل خواهد شد.

## منابع

۱. نوروزی، قدرت اله، جلالی. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین رضایت از حقوق شهروندی با مشارکت مدنی و مشارکت زیست‌محیطی شهروندان. اقتصاد شهری، ۶(۲)، ۸۵-۹۶.
۲. کوهی نصرآبادی، حمادی، عطیه، عبیدی. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر اعتماد شهروندان نسبت به سازمان‌های شهری مورد مطالعه: شهرداری کاشان. مجله علمی، ۳(۳)، ۳۶۹-۳۸۹.

۳. سلطانی، شعبان نیا منصور، دشتی. (۱۴۰۳). ارزیابی نقش حکمرانی مطلوب در بهبود نظام درآمدی شهرداری‌ها: مطالعه‌ای در بستر مدیریت شهری ایران. جغرافیا و برنامه ریزی منطقه‌ای، ۱۴(۵۷)، ۶۱۵-۶۳۷.
۴. حیدری، برادری، اشرافی. (۱۴۰۴). جرم‌انگاری آسیب‌های ناشی از پسماند و تأثیر آن بر حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی به حقوق انگلستان و اتحادیه اروپا. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۷(۲۳۳)، ۴۲-۱۶۵.
۵. سردارنیا، خلیل‌اله، شاکری. (۱۳۹۴). حکمرانی شهری در ایران، آسیب‌شناسی و پیشنهادات راهبردی. راهبرد توسعه، ۴۲، ۱۸۹-۱۶۵.
۶. شمس‌الدینی، سنایی مقدم، سروش، بلاغی، سول، رضایی. (۱۳۹۶). سنجش میزان رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری و ارزیابی عوامل فردی، اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر دهدشت). فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۸(۳۰)، ۱۸۵-۲۰۴.
۷. سلامی، مظهری. (۱۴۰۰). تکالیف مدیریت شهری در تحقق حقوق زیست محیطی شهروندان (با نگاهی به مصوبات شورای شهر تهران). فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۴(۱۱)، ۸۴-۱۱۱.
۸. آرایبی، وحید، قاسمی، معینی فر. (۱۳۹۷). توصیه‌های سیاستی موانع تحقق‌پذیری حکمرانی خوب در اداره امور عمومی (مطالعه موردی: فرمانداری و شهرداری شهرستان مینودشت). مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۷(۲۵)، ۱۱۳-۱۳۳.
۹. رضایی بوندپور، پروین، اکبرپور. (۱۴۰۴). بررسی دیدگاه ساکنان محلی از مؤلفه‌های مؤثر بر سیاستگذاری مدیریت پسماند مناطق روستایی منتخب شهرستان کرمانشاه. برنامه ریزی فضایی، ۱۱(۱)، ۱-۲۶.
۱۰. کماسی، حسینی. (۱۳۹۳). تبیین رابطه بین عملکرد مدیریت شهری و سرمایه اجتماعی شهروندان (مطالعه موردی: محله ولیعصر شمالی). برنامه ریزی فضایی، ۴(۳)، ۱۳۵-۱۵۶.
۱۱. یوسفوند. (۱۴۰۴). زمینه‌های کاهش اعتماد نهادی به حکمرانی شهری در دو دهه اخیر (مورد مطالعه: شهر تهران). تداوم و تغییر اجتماعی، ۳(۲)، ۴۳۷-۴۶۶.
۱۲. عسگری. (۱۳۹۸). سنجش تأثیر عوامل مشارکت‌پذیری شهروندان در مدیریت پسماند شهری. جغرافیا و روابط انسانی، ۲(۳)، ۴۳-۵۹.
۱۳. رضانی‌پاچی، سلاله، بهنیا، بردیا. (۱۴۰۰). بررسی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر درآمد سازمان مدیریت پسماند شهری (مورد مطالعه: سازمان مدیریت پسماند شهرداری ساری). مدیریت و حسابداری در هزاره سوم، ۶(۳)، ۱۲۸-۱۳۹.
۱۴. نوید فرحی جهرمی. (۱۴۰۴). ارتقای مدیریت پسماند شهری با رویکرد کشاورزی شهری و استفاده مجدد منابع آلی. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۹(۳۴)، ۲۰۰-۲۱۴.
۱۵. ریگی، غلامی‌نورآباد، مشایخی، مهسا، اسد، سیده‌عاطفه، ... ثنا. (۱۳۹۸). مدیریت پسماندهای شهری و ارائه راهکار جهت پایداری و بهره‌وری اقتصادی از پسماندها؛ معرفی تجربیات موفق جهانی. مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری، ۷(۲)، ۷۹-۹۰.
۱۶. کاردان حسین آبادی، اذانی، مهری، خادم‌الحسینی. (۱۴۰۵). واکاوی مؤلفه‌های حکمروایی محیط‌زیست در کلان‌شهر اصفهان. برنامه ریزی فضایی، ۱۶(۱)، ۳۶-۱.
۱۷. مهدوی نصر، امیری، آزاده. (۱۴۰۳). ۲۰. تحلیلی بر نقش شاخص‌های حکمروایی شهری بر مدیریت پسماند شهری (مطالعه موردی: شهر اهواز). فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۵(۳)، ۳۱۵-۳۳۶.

